

بسم الله الرحمن الرحيم

پشت پرده بحران سعودی و قطر!

(ترجمه)



پرسش

اسلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

ترامپ در یک کنفرانس خبری که به تاریخ ۹ جون ۲۰۱۷م در کاخ سفید برگزار گردیده بود، باهمتای رومانی اش گفت: «همه کشورها به متوقف ساختن حمایت از تروریسم توافق دارند، خواه حمایت مالی باشد و یا حمایت نظامی و اخلاقی، متأسفانه که دولت قطر سابقه طولانی و سطح بلندی تمویل مالی تروریسم را دارا می باشد و پس از نشست دولت ها همه بر متوقف ساختن حمایت مالی تروریسم متحد گردیدند، و ما در مورد برخورد با قطر صحبت نمودیم، بر ما لازم است که تمویل تروریسم را متوقف بسازیم، من و وزیر خارجه امریکا با جنرال های اردوی امریکا تصمیم گرفتیم تا قطر را بر پایان دادن تمویل تروریسم دعوت نمائیم...» (منبع: نشریه روز هفتم تاریخ ۹ جون ۲۰۱۷م)

آیا این بدین معنی است که بحران بین سعودی و قطر به تحریک امریکا به وجود آمده است؟ اگر موضوع چنین است، درحالی که ترامپ می داند که امریکا بزرگ ترین پایگاههای نظامی را در سطح منطقه در قطر دارد، چرا در برابر قطر چنین موقف می گیرد؟ علاوه بر آن رسانه های جمعی سبب اختلاف بین سعودی و قطر را به اختلافات بین قطر و ایران و اختلافات بین اخوان المسلمین و قطر و اختلافات بین حماس و قطر مرتبط می دانند...، پس از اظهارات ترامپ و آن چه که رسانه ها نشر می نمایند نمی دانیم نتیجه این بحران ها چی خواهد شد؟ آیا این بحران ها باعث خروج قطر از کشورهای خلیج خواهد گردید؟ سپاس از شما.

پاسخ

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته!

یکم: بلی، وجود آورنده بحران هایی که صحبت شد همانا امریکا است، و یا به عبارت دیگر کسی که این بحران ها را ایجاد نموده ترامپ رئیس جمهور امریکا است؛ اما قبل ازین که به تشریح این موضوع بپردازم به جواب سوال اخیر شما آغاز می کنیم: بعضی گمان می کنند که دلیل بحران قطر با کشورهای خلیج طوری که در سر زبان رسانه ها و در نزد بعضی ها شایع می باشد، همانا حمایت قطر از اخوان المسلمین و هم پیمان بودن آن با ایران است. از طرف دیگر بعضی به این نظر اند که دلیل واقعی این بحران به اختلاف های قدیمی بین آل حمد و آل زاید که در دهه هفتم در جریان تأسیس دولت امارات وجود داشت برمی گردد و دقیقاً همین موضوع سعودی را وادار ساخته تا به کنار هم پیمان خود امارت رفته و بر قطر هجوم ببرد. چنان چه درین مورد نویسنده گانی وجود دارند که مشکل قطع روابط قطر با سعودی را مرتبط به اسرائیل می دانند؛ مثلاً: جیک نوافک در نشریه "سی ان بی سی" گفته است: «به وضاحت معلوم می شود که شکاف بوجود آمده بین سعودی و قطر ایران است، طوری که سعودی ازین که ایران در شرق میانه نفوذ می نماید اغفال گردیده و تشویش دارد، اما

اگر به عمق مسأله توجه کنیم واضح می شود که هدف قرار دادن قطر درین برحه زمانی به دولتی دیگری که همانا اسرائیل می باشد، برمی گردد.» (منبع: عربی، 7، 21 جون 2017م)

اما با دقت نظر در مورد این مسأله این دیدگاه منتفی شده، معلوم می شود که این موضوع جدیدی نیست که اخیراً قطر آن را انجام می دهد؛ بلکه از مدت زمان زیادی است که این کار را انجام می دهد. رابطه قطر با ایران و حماس مشهور است، و تأثیر رابطه قطر با دولت یهود (دولت غاصب در فلسطین) نیز مشهور است. هم چنان رابطه سعودی، امارات متحده عربی و اسرائیل امر واضح و آشکاری است، و رابطه این کشورها با هم آن قدر قوی است که رابطه قومی هم به این سرحد نرسیده است. تمامی این مسایل چیزی های اند که قبل از این بحران ها وجود داشته و اکنون هم وجود دارد؛ پس دلایل واقعی بحران بین این کشورها این دلایل نمی باشد.

**دوم:** طوری که در ابتداء گفته شد دلیل واقعی بحران قطر و سعودی امریکا و رئیس جمهور آن است، برای فهم این موضوع موارد ذیل را پیشکش می نماییم:

از آغاز این قرن دولت کوچک قطر به کوره بزرگی برای تولیدات سیاست های انگلیس در منطقه تبدیل گردیده است، روی این دلیل شبکه تلویزیونی الجزیره بوغ تبلیغاتی بزرگی برای پرازیت پخش کردن علیه سیاست های امریکا در سطح منطقه تبدیل گردیده است. عامل دیگری که بر آن اضافه گردیده پول سیاسی است، پول سیاسی که به مغناطیس بزرگ سیاسی تبدیل گردیده و قوت های سیاسی را جذب می نماید.... قطر با استفاده ازین دو ابزار، کامیابی بزرگی مخصوصاً در مورد حرکات اسلامی (به اصطلاح میانه رو) در مصر، لیبیا، تونس و سایر نقاط کشورها به دست آورده است، و دوحه در قطر به پناهگاه رهبری این حرکات و مرکز تطبیق پلان های انگلیس و پرازیت پخش کردن علیه سیاست های امریکا و اجیرانش تبدیل گردیده است. عادت انگلیس است که دوستی امریکا را تظاهر می کند در حالی که بر سیاست های آن پرازیت پخش می نماید.

چنان چه قطر برای اثبات این ادعای انگلیس، نقش خوبی را در بازی انگلیس ایفا نموده و در اولین بار در سال 1991م پایگاه العدید امریکا را که پایگاه مرکزی امریکا در منطقه می باشد، در قطر دعوت نمود. پایگاه مرکزی که به عنوان پایگاه استراتژییک هوایی برای امریکا بوده و از آن جا طیاره های امریکایی به قتل و ویرانگری مسلمانان در عراق، افغانستان، سوریه و یمن دست می زنند.

این در حالی است که انگلیس پایگاه سیاسی خود را از آغا قرن جاری در قطر بنا کرده تا پلان های خود را تکمیل نماید که به این شکل نقش قطر در خدمت گذاری انگلیس به شکل روان آن طبق پلان آمده شده از سوی انگلیس گسترش پیدا نموده است.

امریکا ازین نقش قطر ناراحت بود و ناراحتی آن به جای رسید که جورج بوش پسر، به اساس گزارش خبرگزاری نشریه DW مورخ 22 نومبر 2005م، می خواست بالای شبکه الجزیره بمباردمان نماید. روزنامه "دیلی" انگلیسی در روز سه شنبه به نقل از یک یادداشت "به شدت مرموز" از دفتر نخست وزیری انگلیس ذکر نمود که جورج بوش رئیس جمهور امریکا در سال 2004م در مورد بمباردمان در پایگاه شبکه الجزیره در قطر فکر نمود. (منبع: DW مورخ 22 نومبر 2005م)

و این موقف در کشورهای خلیج ادامه پیدا کرد تا که ملک سلمان قدرت را دریافت نمود، و از آن به بعد سعودی با امریکا شد، و در آن زمان اداره اوباما در نظر گرفت تا نقش مهمی را برای اجیرش سلمان در منطقه بدهد تا به مقابل قطر قرار گیرد و از جانب دیگر با برنامه های امریکا هم آهنگ باشد.... ازین جهت نقش مزدوران امریکا پر رنگ شده و اختلاف بین سعودی و قطر به جایی کشید که نقش قطر را به صورت کامل تهدید می کند.... وقتی دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در آغاز این سال قدرت را تسلیم شد، سیاست امریکا در برابر اکثر قضایای بین المللی از جمله قطر داغ تر گردید.

در جریان دیدار ترامپ با ریاض به تاریخ 20-21 می 2017م و جمع کردن پنجاه تن از حکام سرزمین های اسلامی در اطرافش از جمله سلمان و اشاره کردن برین که قطر از تروریزم حمایت می کند قطر به اشاره انگلیس فهمید که امریکا گام های جدیدی را برای بلند بردن نقش سعودی و پایان آوردن نقش قطر و از آن طریق کم کردن نقش انگلیس در منطقه خلیج برمی دارد، به همین دلیل روزنامه های انگلیسی در منطقه خلیج، و خبرگزاری انباء قطری اظهاراتی از تمیم آل ثانی امیر قطر بعد از بازگشتش از ریاض در روز 23 می 2017م نقل کرد: «به آن چه که قطر از تحریم های ظالمانه مواجه گردیده همزمان با دیدار رئیس جمهور امریکا از منطقه می باشد که هدف ازین عمل ترامپ ارتباط دادن قطر با تروریزم است. ما قطعاً اتهام حمایت از تروریزم را رد می کنیم.... هیچ کسی حق ندارد که اتهام تروریزم را بر ما وارد کند چراکه گروه اخوان المسلمین گروه تروریستی است. کشورهای مصر، امارات متحده عربی و بحرین باوجود رویکردهای منفی، از اداره حکومت امریکا خواستار موقف خصمانه علیه قطر و رابطه محکم شان با امریکا گردیدند.

با این که اطمینان داریم که وضع موجود دوام پیدا نکرده و به اساس تحقیقات عادلانه که صورت گرفته با مخالفت ها و تجاوزاتی که رئیس جمهور می کند، هر چند که پایگاه العدید برای جلوگیری طمع کشورهای همسایه قطر را خوش حال می سازد، اما این پایگاه فرصت و وسیله است برای گسترش نظامی امریکا در منطقه. قطر تروریسم و افراط گرایی را حمایت نمی کند، بلکه وی در مشارکت ایجاد صلح عادلانه بین حماس، نماینده مشروع مردم فلسطین و اسرائیل به خاطر استحكام بخشیدن رابطه دائمی تلاش می کند.... قطر در برقراری روابط قوی امریکا و ایران درین برحه زمانی کامیاب گردیده است، با در نظر داشت وزنه منطقه ای و اسلامی که ایران دارد نمی توان نقش آن را نادیده گرفت و حکمت نخواهد بود که با آن تنش ها دامن زده شود.

پس این اظهارات اشاره بر این است که قطر ترامپ را متهم می سازد که پشت تحریم این کشور به خاطر این که قطر ایجاد کننده و حامی تروریسم است، بعد از نشست ترامپ با نماینده های رژیم های جهان اسلام و آن هایی که ترامپ را در رهبری اش برای رسیدن به اهداف امریکا تشویق می نمایند، قرار دارد.

بعد از نشست ترامپ با روسای جمهور و نماینده های کشورهای اسلامی که امریکا را بر کامیابی اهدافش تشویق می کنند، ترامپ یاد آور شد که بعضی کشورها درین نشست اشاره کردند که قطر حامی تروریسم است. هم چنان این اظهارات قطر به مثابه عکس العملی بر ترامپ بوده و خواستار این می باشد که با انجام تحقیقات عادلانه تحریم های وارده بر آن را برکنار نمایند.

**سوم:** با جمع کردن پادشاه سعودی و پنجاه و پنج تن از رهبران و رئیس جمهورهای خود فروخته کشورهای خلیج و جهان عرب و جهان اسلام، رهبری عربستان با اظهاراتش آماده گی خود را برای عملی نمودن برنامه امریکا نشان داد و این آماده گی از اشاراتی که برایش از واشنگتن داده شده بود عملی نمود. واشنگتن که از یک طرف به بهانه خطر ایران بر سعودی ذخایر نفت را تحت تصرف خود قرار می دهد و از طرف دیگر شعله های نفوذ انگلیس را در بین دولت های خلیج با ابراز نمودن رهبری سعودی خاموش می سازد و کشورهای خلیج را بر دنباله روی سعودی فرا می خواند، دنباله روی سعودی که در حقیقت دنباله روی از سیاست های امریکا است. به این شکل دولت سعودی طاقت تحمل سر باز زدن از رهبری اش را در منطقه نداشته و بر اوضاع قطر چشم دوخته مراقب می باشد و نگاه می کند که چی وقت قطر تحت آتش جنگ قرار می گیرد.

روی همین ملحوظ واکنش سعودی در برابر اظهارات خصمانه قطر علیه آن و امریکا شدید بود، اظهارات که خبرگزاری جمهور قطر بتاريخ 23 جون 2017م نشر نمود و قطر اظهار داشته که که سایت انترنتی (انس استخباراتی قطر توسط سعودی حک گردیده است اما سعودی حک شدن سایت قطر را قبول نکرده، این دلیل بحران از ناحیه استاده گی قطر علیه سعودی می باشد. پس سعودی قطع روابطش را با قطر اعلام نموده و موقف قاطعانه در برابر قطر گرفته است، و عکس العمل جدی در برابر قطر گرفت و این موقف ها به حدی بالا گرفت که بتاريخ 5 مارچ 2014م سفرای خود را از قطر کشید که این خودش مانند حصار بر مقابل قطر بوده تأثیر زیادی دارد، به این شیوه امریکا به اساس پلان های سعودی صدمه بر قطر وارد می نماید و سعودی دیپلومات های قطر را 48 ساعت وقت داد تا سرزمین سعودی را ترک کنند و در هم آهنگی با شیوه امریکا در ضربه زدن با قطر همراهی سعودی همزمان مصر طیاره های مدنی قطری را بدون هشدار قبلی اجازه داخل شدن بر سرزمین اش نداد؛ هم چنان سایر دولت های خلیجی همراه با سعودی به ضد قطر استاده شدند.

به نظر می رسد قطر از اتخاذ تصمیم مبنی بر قطع رابطه با آن کشور، "در حالی که انتظارش را نداشته" غافل گیر شده و صدمه دیده است؛ چنان چه وزیر خارجه قطر در یک مصاحبه (بی بی سی) مؤرخ 6 جون 2017م گفت: «بدون شک عملیاتی که بر علیه کشورش اتخاذ گردید زیانبار بوده و آن چه اتفاق افتاد یک عذاب اجتماعی از جانب سه کشور در منطقه می باشد و به فرض محاصره قطر و مردم آن انجام یافته است؛ برای قطر جرأت این که با امریکا و یا مزدورانش هم چون سعودی مبارزه کند، وجود نخواهد داشت مگر این که کشور بزرگی با قطر در زمینه همکاری نموده و پشت سر آن استاد شود. طبیعتاً این کشور انگلیس خواهد بود که قطر و سیاست هایش را پشت پرده بلکه بدون پرده! جهت می دهد؛ مقصد انگلیس ایجاد نگرانی و شکست دادن نقشه های امریکا برای تحکیم نفوذ بر منطقه مخصوصاً منطقه خلیج می باشد؛ بنابراین مزدورانش در قطر را وظیفه داد تا این کار را انجام دهند؛ و گمان نمی کرد جواب کار به این اندازه زیانبار باشد، بلکه فکر می کرد شاید این هم در حد موضوع اخراج سفراء در سال 2014م است و بدون کدام تأثیر بزرگی پایان خواهد یافت. مخصوصاً این که قطر با موجود بودن پایگاه بزرگ نظامی امریکا در آن؛ محافظت شده محسوب می شود، ازین رو در اظهارات امیر قطر که ژانس خبرگزاری قطر روز 23 می 2017م منتشر نمود و بعداً آن را حذف نموده و مدعی شد که سایتش کشف شده گفته خود در آن را رد نمود، آمده است: «پایگاه نظامی العدید که حیثیت محافظت کننده قطر را از چشم

دوختن کشورهای همسایه دارد، اما می تواند فرصتی برای نفوذ نظامی امریکا در منطقه باشد، یعنی این که قطر با تکیه به این مسأله برای امریکا و مزدورانش در منطقه از طریق کانال خبری الجزیره ایجاد نگرانی می نموده است، و اعتمادش بر اجازه بزرگ ترین پایگاه نظامی برای امریکا در منطقه بوده که گویا امریکا در برابرش سکوت خواهد کرد! بنابراین این عملیات شدید برایش دور از انتظار بود.»

**چهارم:** هم چنان علت واقعی بحران نقش جدیدی است که ترامپ برای سلمان ترسیم نموده و او را سلطان منطقه خلیج ساخته است تا سیاست های امریکا را عملی نموده برای هیچ یک از مزدوران انگلیس اجازه ندهد که ایجاد تشنج و نگرانی کنند؛ زیرا قطرکشوری است که انگلیس نقش خود را در تشنج و پرازیت انداختن بر نقشه های امریکا در منطقه و تنفیذ نقشه های انگلیسی برایش ترسیم نموده است؛ لهذا مسأله بشکل بی سابقه بر علیه قطر بالا گرفت، پس امریکا پشت پرده سلمان درین بحران قرار دارد، ایشان آن را مخفی نگذاشتند بلکه به تدریج پرده را از روی خویش در پشت ماجرا برداشته اند.

العربیة نت در 6 جون 2017م از یک مسوول بلند پایه در اداره امریکا که با آژانس خبر گزاری رویترز صحبت کرد چنین نقل قول نموده است: «بسیاری از عمل کرد های قطر موجب خشم همسایه هایش در منطقه خلیج و ایالات متحده امریکا شده است.» آژانس ازین مسوول امریکایی روز دوشنبه نقل قول نموده که ایالات متحده اختلافات دائمی بین دولت های خلیج را نمی خواهد؛ این بعد از آن بود که بعضی از کشورهای خلیج و عرب ارتباطات را با قطر به علت اتهام آن کشور به کمک کردن به اسلام گراها و ایران قطع کردند، با این هم مسوول امریکایی افزود که بسیاری از کارهای قطر نه تنها برای همسایه گانش بلکه برای ایالات متحده نیز موجب خشم است. و اضافه نمود که ما می خواهیم آن ها را در مسیر درست باز گردانیم.

بی بی سی در 6 جون 2017م اشاره دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا را مبنی بر تأثیر دیدار اخیرش از خلیج بر تصمیم قطع رابطه با قطر نقل نمود؛ ترامپ گفته است که وی در جریان این دیدار با معلوماتی روبرو شده است که نشان می دهد دوحه "حرکات ایدولوژیکی متشدد" را تمویل می کند. وی ضمن بیاناتی در صفحه رسمی توئیتر خویش چنین ذکر نمود: «در جریان سفر اخیرم به آسیای میانه گفتم که ادامه تمویل ایدولوژی تشددگرایی امکان ندارد. زمامداران به قطر اشاره نمودند، ببینید! سپس ادامه داد: درست فکر می کنم دیدار اخیرم از سعودی و ملاقاتم با ملک سلمان و 50 مسوول دیگر نتیجه داد؛ آن ها گفتند بزودی اقدامات پیش گیرانه ای از تمویل افراط گرایی روی دست می گیرند؛ تمام اشاره ها بسوی قطر بود شاید این شروع پایان دهشتی باشد که ترورزم ایجاد نموده است.»

سپس اظهارات ترامپ در 9 جون 2017م نشان دهنده و تأکید بر این امر دارد که امریکا در پشت این بلند پروازی های سعودی قرار دارد.

دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا روز جمعه گفت: «قطر باید فوراً تمویل تروریزم را متوقف کند، وی ابراز امیدواری نمود که نشست هایش در پایتخت سعودی (ریاض) شروعی باشد برای پایان دادن به ترورزم. ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی در قصر سفید که با همتای رومانی خود داشت؛ افزود: «قطر در تمویل تروریزم کشور تاریخی بوده است. (منبع: اسکای نیوز عربی 9 جون 2017)

دنالد ترامپ رئیس جمهور امریکا گفت: «همه برای متوقف کردن کمک های مالی، نظامی و اخلاقی تروریزم اتفاق نمودند؛ متأسفانه که قطر تاریخ طولانی در تمویل تروریزم در سطح بالایی دارد. بدنبال نشست ها همه کشورها متحد شده و برای ما در مورد مقابله با قطر گفتند، بر ما لازم است که تمویل تروریزم را متوقف کنیم. با وزیر خارجه و جنرال های اردوی امریکا تصمیم گرفتیم که از قطر بخواهند تا تمویل تروریزم را پایان دهد.»

**پنجم:** اما بالا گرفتن بحران قطر به کجا خواهد انجامید؟ زیرا قطر زیر این صدمه ها و موقف های قوی که گماشته گان امریکا در سعودی، مصر و کسانی از گماشته گان انگلیس که در امارات، بحرین و غیر آن ها از باب توزیع وظیفه بر روش انگلیس با ایشان همراهی نمودند، چنان چه در جوابی که در 9 اپریل 2017م صادر نمودیم آن جا که گفتیم: «... به این واضح می شود که انگلیس وظایف گماشته گانش را به طور تناقض گونه توزیع می کند، اما در نتیجه اهداف انگلیس را متحقق می کند؛ انگلیس مزدورانش را در یک جهت قرار نمی دهد مخصوصاً در مناطقی که برکه های برنده اش متعدد

باشند.» چنان چه گفتیم قطر توقع نداشت که بالا گرفتن تنش به این قوت و شدت باشد. گام های سعودی زینبار توصیف شده اند، دیپلمات های قطر را فقط 48 ساعت به ترک سرزمین های سعودی مهلت داد، "صدمه به طریق امریکا" به طور موازی و همزمان با گام های سعودی مصر نیز طیاره های ملکی قطر را بدون هشدار قبلی برگشت داد و اجازه داخل شدن به سرزمینش را نداد؛ کشور های متعهد با سعودی بر علیه قطر نیز چنین کردند.

**ششم:** اما آیا این مسأله به خروج قطر از مجموعه خلیجی خواهد انجامید؟ زیرا اگر این آخرین دواء باشد یک امر ممکن خواهد بود، مگر راجح این است که امکان دوایی هنوز موجود می باشد؛ زیرا قوت های دولتی ذیعلاقه، یعنی امریکا و انگلیس هر دو، با وجود اختلاف در هدف می خواهند قطر در ضمن مجموعه خلیجی باقی بماند. اما امریکا چنان چه قبلاً گفتیم، قصد دارد قطر زیر نفوذ سعودی قرار داشته و نقشه هایش را بدون ایجاد نگرانی و درد سر اجرا نماید. اول این که امریکا می خواهد پایگاه نظامی اش پابرجا بوده و از آن جا کار هایش را بدون کدام مضیقه انجام دهد؛ در عین حال می داند که انگلیس در پشت قطر قرار داشته و می تواند با روش های فریب کارانه اش بعد از خروج قطر از مجموعه خلیجی باعث ایجاد مشکلات برای پایگاه نظامی شود؛ و هم چنین امریکا از قطر می خواهد نقشه هایش را بر منهج سعودی اجرا کند و در عین زمان شامل مجموعه خلیجی نیز باشد.

اما انگلیس نیز می خواهد قطر در ضمن مجموعه کشورهای خلیج باقی بماند؛ در صورتی قطر می تواند پشت پرده نقشه های انگلیس را بر وفق میل انگلیس-کشوری که دو روی دارد از پیش روی دوستی می کند و از پشت سر خنجر می زند- اجرا کند که در ضمن این مجموعه قرار داشته باشد. چنان چه گفتیم راه حل در محور عدم قطعیت و غیر نهایی بین قطر و مجموعه خلیجی خواهد چرخید، مگر این که خروج (آخرین دواء) کی باشد. حد اقل در وسعت نظر بعید به نظر می رسد که خروج آخرین دوا باشد، روی چند دلیل:

ا- این که ترامپ در 9 جون 2017م مذکور فرصت حل وسط را برای قطر باقی نگذاشت، زیرا که او وی را چنین مورد خطاب قرار داد: «... متأسفانه کشور قطر تاریخ طولانی در تمویل تروریزم در حد بالا دارد؛ بعد از کنفرانس، کشورها متحد شدند و در مورد مقابله با قطر سخن گفتند، بر ما لازم است تا تمویل تروریست ها را متوقف کنیم، با وزیر خارجه و جنرال های نظامی تصمیم گرفتیم تا از قطر بخواهند که به تمویل تروریزم پایان دهد.» (روز هفتم 9 جون 2017) واضح است که قطر سیاستش را ترسیم نمی کند بلکه انگلیس است که برای قطر سیاست طرح می کند، انگلیس در حال حاضر به شکل علنی با امریکا مقابله نمی کند مخصوصاً در زمانی که می خواهد از اتحادیه اروپا بیرون شود؛ زیرا می خواهد ولو به شکل ظاهری به امریکا نزدیک شود.

ب- مفکوره ترامپ مفکوره یک تاجر است، پس جنبه پولی درین موضوع تأثیرگذار است، اگر قطر آن چه ترامپ را قناعت دهد پردازد، پس بدون شک ترامپ برای سلمان امر می کند که حل وسط را بپذیرد. جونائان کریستول الزمیل پژوهش گر امریکایی در انستیتوت پالیسی جهانی World Policy Institute گفت: «با موجودیت "دونالد ترامپ" در قصر سفید، پول محور اساسی و مؤثر در بحران قطع روابط سعودی، امارات و بحرین با قطر می باشد. کریستول در مقاله خویش توضیح می دهد: تنها راه برای فایق آمدن قطر بر فشار دیپلماسی و اقتصادی سعودی که با مداخله امریکا همراه همپیمانانش ایجاد شده است، استفاده از پول می باشد.» (منبع: CNN و عربی 21، 6 جون 2017م)

رجحان برین است که حل مسأله، به پول قطر و یا سرخم کردن آن ایجاد شود، زیرا که قطر سیاستش را به تنهایی اداره نمی کند، بلکه انگلیس است که سیاستش را اداره می کند؛ زمانی که مصلحت انگلیس در خروج قطر از مجموعه تأمین شود خارج می شود و اگر بقاء آن را تقاضا می کرد پس باقی خواهد ماند!

**هفتم:** در خاتمه این که هیچ خیری از گماشته گان امریکا در سعودی، و کسانی که با آن ها در موضوع مقاطعه همراه شدند متصور نیست؛ آن ها کسانی اند که سرزمین ها و انسان ها را برای محافظت از چوکی های پایه کج که امروز و یا فردا خواهد شکست به دشمنان اسلام و مسلمین تسلیم می کنند. هم چنان از قطر که برای باقی ماندن به پشت انگلیس مخفی شده است نیز کدام خیری نیست؛ "تحکی انتفاخاً صولة الأسد" سپس او را در مسیر خیانت و زیان رسانیدن به مسلمانان قرار می دهد؛ برای امریکا اجازه بزرگ ترین پایگاه نظامی می دهد تا از آن جا طیاره هایش به قصد کشتار و ویرانی حرکت نموده فرزندان مسلمین را در سوریه و عراق به قتل برساند و خانه های شان را ویران نماید. سپس صلح با کیان یهود را پیشکش

نموده و از حماس می خواهد تا به حزب فتح در روند نزولی نزدیک شود. هم چنان با پول زهر آگینش بالای بعضی از گروه های سوری تأثیر گذاشت تا با نظام جنایتکار آن جا وارد مذاکرات شوند. این کشور بعضی از کسانی را که رویکرد اسلامی دارند فریب می دهد و با دادن پول و اقامه به ایشان آن ها را راضی ساخته و در مسیر تنازل و تغییر رویکردها و مفکوره های شان قرار می دهد. تمام این ها نقشه مخربی است که انگلیس برایش ترسیم نموده است. بنابراین از بی خردی قریب به خیانت است، اگر کسی بدلیل "بد بودن و کم تر بد بودن" به این نظام و یا آن نظام انعطاف نشان دهد؛ زیرا که قضایایی امت در میزان بد بودن و کمتر بد بودن گذاشته نمی شود، بلکه در میزان حق و باطل سنجیده می شوند. پس بر تمام فرزندان امت لازم است که این نظام های خیانتکار را برای الله و رسولش و مؤمنین ترک نموده و با برادران مخلص خویش برای اسقاط این نظام ها و اقامه دولت خود، کار کنند دولتی که پیامبر کریم شان صلی الله علیه وسلم به آن بشارت داده است، دولت خلافت راشده که امور ایشان را با امن و امنیت، در جماعت، در خانه و در سفر سر براه نموده اسلام و مسلمانان به آن عزت می یابند و کفار استعمارگر به وسیله آن ذلیل خواهند گشت؛ این امر است که خواب را از چشمان ترامپ، مزدوران و گماشته گانش می رباید(الله متعال بر کارش چهره است، اما اکثر مردم نمی دانند).

۱۶ رمضان المبارک ۱۴۳۸ هـ.ق

۱۱ جون ۲۰۱۷م